

طراحی و اعتبارسنجی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی عمومی برای دانش آموزان دوره دوم متوسطه

رضا ابدام¹، عباس قلتاش^{2*}، فایزه ناطقی³

1. دانشجوی دکتری، گروه علوم تربیتی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

2. دانشیار، گروه علوم تربیتی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران

3. استادیار، گروه علوم تربیتی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

تاریخ دریافت: 1399/10/16 تاریخ پذیرش: 1400/06/31

Designing and Validating of a General Competency based Curriculum for Secondary Theoretical School

R. Ebdam¹, A. Gholtash^{2*}, F. Nateghi³

1. Ph.D. Student, Department of Educational Sciences, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran

2. Associate Professor, Department of Educational Sciences, Marvdasht Branch, Islamic Azad University, Marvdasht, Iran

3. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran

Received: 2021/01/05 Accepted: 2021/09/22

Original Article

مقاله پژوهشی

Abstract

The purpose of this study was to design and validate a curriculum based on general competency for Secondary Theoretical School. The research method is exploratory mixed whose data were collected in a field method using a questionnaire. The statistical population included curriculum planning specialists and all teachers and experts of theoretical high school in Fars province. The statistical sample was selected in a quantitative section in two stages. At first, 10 curriculum planning specialists were purposefully selected and then from all teachers and experts of theoretical high school in Fars province who were experts in the field of curriculum planning, 80 persons as Statistical sample were selected by simple random sampling. The measurement tool for data collection was a qualitative questionnaire including a deductive content analysis in the qualitative stage and a researcher-made questionnaire in the quantitative stage. Data were analyzed using qualitative content analysis with deductive categorization system and quantitative methods including factor analysis using SPSS software. The qualitative findings of the designed model confirmed the characteristics related to the main elements of purpose, content, method and evaluation, and the quantitative findings indicated the validity of the designed model. Therefore, it can be concluded that the curriculum based on general competence for the secondary theoretical high school in this study can be used in the new educational system.

Keywords

Design and Validation, Curriculum, General Competency, Secondary Theoretical High School.

چکیده

هدف تحقیق طراحی و اعتبارسنجی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی عمومی برای دانش آموزان دوره دوم متوسطه بود. روش تحقیق از نوع آمیخته اکتشافی است که داده‌های آن به شیوه میدانی و با استفاده از پرسشنامه جمع‌آوری گردید. جامعه آماری شامل متخصصان برنامه‌ریزی درسی و همه دبیران و کارشناسان دوره متوسطه نظری استان فارس بود. نمونه آماری در بخش کمی در دو مرحله انتخاب گردید. در ابتدا ده نفر از متخصصان برنامه‌ریزی درسی به صورت هدفمند انتخاب شدند و سپس از بین همه دبیران و کارشناسان دوره متوسطه نظری استان فارس که در زمینه برنامه‌ریزی درسی صاحب‌نظر بودند هشتاد نفر به عنوان نمونه آماری به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزار اندازه‌گیری برای جمع‌آوری داده‌ها، در مرحله کیفی شامل تحلیل محتوای کیفی و در مرحله کمی پرسشنامه محقق ساخته بود که روایی صوری آن و پایایی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه 0/92 مورد تأیید قرار گرفت. داده‌ها با استفاده از تحلیل محتوای کیفی با نظام مقوله‌بندی قیاسی و روش‌های کمی از جمله تحلیل عاملی از طریق نرم‌افزار SPSS تحلیل شد. یافته‌های کیفی الگوی طراحی شده ویژگی‌های مرتبط با عناصر اصلی هدف، محتوا، روش و ارزش‌یابی را مورد تأیید قرار داد و یافته‌های کمی گویای اعتبارسنجی الگوی طراحی شده بود. پس می‌توان نتیجه گرفت که برنامه درسی مبتنی بر شایستگی عمومی برای دوره دوم متوسطه نظری در این پژوهش می‌تواند در نظام آموزشی جدید مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی

طراحی و اعتبارسنجی، برنامه درسی، شایستگی عمومی، دوره دوم متوسطه نظری.

مقدمه

کار رود. در واقع این بدین معناست که کل فرایند طراحی یک نظام آموزشی را می‌توان بر مبنای شایستگی انجام داد. والاش⁴ (2002)، مزایای استفاده از رویکرد مبتنی بر شایستگی را در آموزش موارد زیر می‌داند: 1. به کارگیری رویکرد مبتنی بر شایستگی به شناسایی محتوای نامناسب و زاید کمک می‌کند. 2. رویکرد مبتنی بر شایستگی بر درک و فهم تمرکز دارد تا بر حقایق تفکیک شده. 3. رویکرد مبتنی بر شایستگی یک رویکرد بین رشته‌ای را در برنامه‌ریزی درسی تشویق می‌کند. 4. رویکرد مبتنی بر شایستگی رویکرد تلفیقی را برای یادگیری و سنجش تشویق می‌کند. 5. رویکرد مبتنی بر شایستگی بیشتر دانش‌آموزمحور است تا معلم‌محور.

بی‌تردید نظام آموزش مبتنی بر شایستگی دارای ویژگی‌هایی است که موجب تمایز آن از سایر رویکردهای برنامه‌ریزی آموزشی می‌شود. جدول زیر این موضوع را به خوبی نشان می‌دهد. تعریف واحد و اصطلاح‌شناسی مشخص و معین در مورد شایستگی و معنا و مفهوم آن وجود ندارد. فرهنگ آکسفورد، شایستگی را به عنوان قدرت، توانایی و ظرفیت انجام دادن وظیفه تعریف می‌کند (زُلر⁵، 2016). رایان و همکاران⁶ (2011)، شایستگی را به عنوان ترکیبی از مهارت‌ها، دانش و نگرش‌های مورد نیاز برای انجام یک نقش (در اینجا معلمی) به گونه‌ای اثر بخش، تعریف می‌کند. در این تعریف مؤلفه نگرش‌ها به جای توانایی‌ها به کار رفته است. در تعریف دیگری، مؤلفه انگیزه به جای این دو به تعریف افزوده شده است. تعریف هاستین⁷ (2000) از این نوع تعریف است؛ وی شایستگی را بیشتر به عنوان مجموعه رفتارها یا فعالیت‌های مرتبط، انواع دانش، مهارت‌ها و انگیزه‌ها تعریف کرده است.

معروف‌ترین برداشت ارائه شده از عناصر برنامه درسی، طبقه‌بندی و الگوی فرانسیس کلاین در الگوی مطالعه مدرسه‌ای است فتحی و اجارگاه (1395) جدیدترین دسته‌بندی مطرح در زمینه عناصر برنامه درسی از آکر است که شامل ده عنصر منطقی، اهداف، محتوا، فعالیت‌های

کارایی هر نظام آموزشی تا حد زیادی به برنامه درسی طراحی شده برای آن بستگی دارد. برنامه درسی یکی از محرک‌های اصلی جهت موفقیت در هر برنامه آموزشی است. اگر ضرورت‌ها و شایستگی‌های لازم در طراحی برنامه درسی در نظر گرفته نشود، نتیجه آن برنامه درسی خواهد بود که فاقد کارایی لازم جهت پاسخ‌گویی به نیازهای صنعت و بازار کار خواهد بود. برنامه درسی یکی از محرک‌های توفیق برنامه آموزشی در رسیدن به هدفش است (سادسبون¹، 2007). بدون شک دوره متوسطه در نظام آموزش و پرورش، از اساسی‌ترین و مهم‌ترین مقاطع تحصیلی است و به جرأت می‌توان گفت هیچ یک از دوره‌های تحصیلی از چنین اهمیتی برخوردار نیستند، پس وظیفه آموزش متوسطه، آماده ساختن جوانان برای انتخاب مسیرهای زندگی و شکل دادن به این مسیرها در جهت قبول مسئولیت‌ها در آینده است. دوره متوسطه، از لحاظ مبانی فلسفی، زیستی، روانی و اجتماعی دوره بسیار مهمی است. دوره‌ای که آموزش عمومی را به آموزش عالی پیوند می‌دهد و گروه زیادی را برای ورود به جامعه و بازار کار مهیا می‌کند؛ از این رو هر نوع نارسایی و خلل در این دوره به طور مستقیم بر عملکرد و کیفیت هر دو حلقه آموزش، عمومی و عالی تأثیر بسزایی خواهد داشت (صافی، 1390). از این رو، برنامه درسی مبتنی بر شایستگی از حیث ویژگی‌های منحصر به فرد خود، در سال‌های اخیر مورد توجه خاص اغلب نظام‌های آموزشی جهان قرار گرفته است (پارسون و همکاران²، 2018). برنامه درسی مبتنی بر شایستگی بر مبنای تشخیص و تعیین شایستگی‌ها صورت می‌گیرد. دانش و مهارت‌های مورد نیاز نیز با توجه به شایستگی‌های تعیین شده مشخص می‌شوند (کوئن، دوچی و برگه‌مانز³، 2015). الگوی شایستگی‌ها در یک نظام آموزشی می‌تواند کاربردهای مختلفی داشته باشد از جمله این که می‌توان برای نیازسنجی آموزشی افراد، تهیه و ارزش‌یابی برنامه آموزشی، ارزش‌یابی کارآیی، اثربخشی آموزشی و در نهایت برنامه‌ریزی برای رشد، پیشرفت خود به

4. Walsh
5. Zeller
6. Ryan & et al
7. Haunstian

1. Sudsomboon
2. Parson & et al
3. Koenen, Dochy & Berghmans

برخط و تلفیقی، یادگیری مبتنی بر پروژه و جامعه محور است. این نوع یادگیری منجر به درگیری بهتر دانش‌آموز می‌شود، زیرا مطالب مرتبط به هر دانش‌آموز و متناسب با نیازهای منحصر به فرد آنها است. سور⁵ (2015) تمرکز برنامه درسی بر شایستگی‌ها، شیوه‌های فعلی طراحی برنامه درسی را به چالش می‌کشد و با جلب توجه طراحان برنامه درسی و آموزگاران، با تغییر عوامل برنامه‌های درسی، منجر به ایجاد ابعاد جدیدی از فعالیت‌های آموزشی می‌شود. محتوای ساختار رشته، باید با طراحی یک موقعیت یادگیری پیچیده که در آن دانش‌آموزان با منابع مختلف به منظور حل موقعیت‌های زندگی تجهیز شوند، جایگزین شود؛ به این ترتیب حصول اطمینان از مشارکت بهتر دانش‌آموزان، موفقیت در جامعه پست مدرن را تضمین می‌کند. یافته‌های تحقیق (احمدی، 1397)، نشان داد که یکی از رسالت‌های اساسی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی، فراهم کردن شرایطی است که در آن منابع انسانی از دانش و نگرش و مهارت‌هایی برخوردار شوند که با نیازها و شرایط متغیر و نوین اقتصادی، صنعتی و بازار مشاغل متناسب و هماهنگ باشند. از این رو، اهتمام به این امر و تسهیل تحقق آن مستلزم بازنگری مجدد برنامه‌های آموزشی و درسی، و رجوع به مطالعات میان رشته‌ای در درون سیستم‌های آموزشی است. شفیعی (1396) بیان کرد که تدوین‌کنندگان برنامه‌های درسی به طور اعم (آموزش و پرورش و آموزش عالی) در عصر حاضر و در آغاز قرن بیست و یکم نیز باید به این نکته توجه داشته باشند که برنامه درسی باید به گونه‌ای تدوین شود که شایستگی‌های لازم (دانش، مهارت‌ها، نگرش‌ها) را به منظور موفقیت دانش‌آموختگان در موقعیت‌های شغلی و زندگی‌شان در آنها ایجاد و تقویت کند. تحقیق حیدری، ملکی و صادقی، (1397) بیانگر این است که ویژگی‌های عناصر برنامه درسی مبتنی بر شایستگی را به ترتیب برای هدف، محتوا و فعالیت‌های یادگیری، روش و ارزش‌یابی به‌دست داد و الگوی اولیه برنامه درسی مبتنی بر شایستگی طراحی شد. همچنین فرایند، مراحل و چگونگی ارائه الگوی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی، منتج از پژوهش‌های پیشین در رابطه با موضوع بود. الگوی مذکور پس از اعتباریابی به وسیله متخصصان و صاحب‌نظران و اعمال تعدیل‌ها، مورد تأیید قرار گرفت. نتایج این پژوهش

یادگیری، روش‌های تدریس، مواد و منابع یادگیری، زمان، فضا، گروه‌بندی و ارزش‌یابی است.

آندرانیک و همکاران¹ (2015) در پژوهشی به طراحی الگوی نظام‌مند جهت طراحی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی برای علوم اجتماعی و رفتاری پرداخته‌اند. آنان در این زمینه الگویی ارائه کرده‌اند که عناصر اصلی آن را رسالت‌ها، شایستگی‌ها، محتوا (محتوای شناختی، محتوای عملی و محتوای نگرشی)، راهبردهای آموزشی و ارزش‌یابی و بازخورد تشکیل می‌دهد. به گمان این پژوهشگران، شایستگی‌ها از رسالت‌ها استخراج و به شایستگی‌های جزئی تقسیم می‌شوند. شایستگی‌های جزئی نیز در بردارنده سه بعد مهارت، دانش و نگرش است. این شایستگی‌ها به واسطه سه نوع محتوای مذکور و از طریق راهبردهای آموزشی ارائه می‌شود و در نهایت فرایند طراحی با ارزش‌یابی و ارائه بازخورد شکل می‌گیرد.

بزانیلا، اولالا، کاسترو و رویز² (2019) در ارائه الگویی برای ارزیابی اجرای یادگیری مبتنی بر شایستگی در موسسات آموزش عالی (معیارها و شاخص)، مدلی متشکل از هفت بعد و مجموعه‌ای از معیارها و شاخص‌های ارزیابی، یک بررسی گسترده کتاب‌شناختی در مورد مفهوم یادگیری مبتنی بر شایستگی و هر یک از عناصر تشکیل‌دهنده آن انجام شد. زمینه‌های بررسی شده شامل زمینه‌های حقوقی و اداری، زمینه‌های نهادی، روند برنامه‌ریزی برنامه برای دوره‌های تحصیلی (شامل ماژول‌ها / موضوعات جداگانه در آن)، شیوه‌های تدریس و ارزیابی آنها و بررسی و بهبود روند کلی بود. این مدل توضیحی می‌تواند برای دانشگاه‌ها، به ویژه از اسپانیا و آمریکای لاتین، برای ارزیابی سطح عملکرد یادگیری مبتنی بر صلاحیت و شناسایی نقاط قوت و زمینه‌های توسعه آنها بسیار مفید باشد.

یافته‌های حاصل از تحقیق، سانچز³ (2018)، نشان داد نقشه‌های شایستگی ابزار خوبی برای توسعه شایستگی‌های حرفه‌ای هستند. همچنین نتایج دیه⁴ (2018)، نشان داد که فعالیت یادگیری دانش‌آموزان بر اساس راهبردهای یادگیری مبتنی بر شایستگی است، این فعالیت‌ها شامل، یادگیری

1. Andronache & etal
2. Bezanilla, Olalla, Panos & Ruiz
3. Sánchez
4. Deye

مرحله کیفی از نوع تحلیل محتوا با نظام مقوله‌ای قیاسی و در مرحله کمی توصیفی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری در بخش کیفی شامل مطالعه ادبیات نظری و متون پژوهشی مرتبط با برنامه درسی شایستگی عمومی بود که با مراجعه به بانک‌های اطلاعاتی معتبر تمامی ویژگی‌های برنامه درسی شایستگی عمومی استخراج گردید. در بخش کمی هم جامعه آماری شامل متخصصان برنامه‌ریزی درسی و همه دبیران و کارشناسان دوره متوسطه نظری استان فارس که در این زمینه صاحب نظر بودند، است. نمونه آماری در بخش کمی در دو مرحله انتخاب گردید در ابتدا ده نفر از متخصصان برنامه‌ریزی درسی به صورت هدفمند انتخاب شدند و سپس از بین همه دبیران و کارشناسان دوره متوسطه نظری استان فارس که در زمینه برنامه‌ریزی درسی صاحب نظر بودند تعداد هشتاد نفر انتخاب گردید.

ابزار اندازه‌گیری داده‌ها در این پژوهش پرسش‌نامه‌ای بود که بر اساس یافته‌های بخش کیفی تدوین شده بود. در بخش کیفی از آن جایی که مبنای نظری پژوهش تا حدودی وجود داشت، از روش تحلیل محتوای قیاسی استفاده شد. در روش تحلیل محتوای قیاسی مبنای نظری پژوهش به عنوان مبنای استخراج مؤلفه‌ها مدنظر قرار می‌گیرد و با مطالعه آنها مفاهیم، طبقات، مضمون‌ها و عناصر برنامه استخراج و تبیین می‌شود. به عبارتی برای اعتبارسنجی برنامه درسی تدوین شده این بخش شامل دو مرحله بود: مرحله اول بعد از تدوین مؤلفه‌ها، چارچوب و برنامه درسی تدوین شده بر اساس مدل‌ها و منابع و متون معتبر، در اختیار ده نفر از متخصصان برنامه‌ریزی درسی با درجه علمی استادیار به بالا قرار گرفت و نظرات تخصصی آنان بررسی و تحلیل گردید و در مرحله دوم پرسش‌نامه‌ای بر اساس عناصر و ویژگی‌های شناسایی شده استخراج شد و در اختیار کارشناسان و متخصصان برنامه‌ریزی درسی قرار داده شد که بعد از تایید نهایی، پرسش‌نامه تدوین گردید. جمع‌آوری داده‌های اصلی تحقیق حاضر در مرحله کیفی و در سطح کتابخانه‌ای، یادداشت‌برداری از همه کتاب‌ها، اسناد، مقالات و متون تخصصی مرتبط با برنامه درسی مبتنی بر شایستگی عمومی بود. تجزیه و تحلیل اطلاعات در دو مرحله کیفی و کمی انجام گرفت. تجزیه و تحلیل اطلاعات در مرحله کیفی با استفاده از نظام مقوله‌های کیفی قیاسی انجام گرفت. کاربرد نظام مقوله‌ای قیاسی چنان است که با نظریه‌های استخراجی و جنبه‌های مختلف تحلیل

می‌تواند در طراحی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی مورد استفاده قرار گیرد. برنامه درسی مبتنی بر شایستگی از حیث ویژگی‌های منحصر به فرد خود، در سال‌های اخیر مورد توجه خاص اغلب نظام‌های آموزشی جهان قرار گرفته است. به گمان صاحب‌نظران، نقاط قوت این رویکرد موجب شده است که میزان استفاده از آن رو به افزایش باشد، از این رو با توجه به تحولات فراگیر و گسترده‌ای که در عرصه‌های جهانی دنیای آموزش و پرورش و همچنین نیاز جامعه به دانش‌آموزانی که شایستگی‌های لازم را در عصر تغییر و تحولات حاضر داشته باشند، توجه خاص به برنامه درسی و شیوه انسجام آن با نیازهای جامعه را می‌طلبد. از طرفی وضعیت هدایت تحصیلی دانش‌آموزان در دوره متوسطه که غالباً به سمت رشته‌های نظری و به خصوص تجربی رفته‌اند و وضعیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و نیز کار و دانش چندان رضایت‌بخش نیست و مورد توجه مخاطبان قرار نمی‌گیرد، اعتبارسنجی و اجرای برنامه درسی شایستگی می‌تواند جذابیت لازم را برای هدایت دانش‌آموزان به سمت رشته‌های شایستگی محور جلب کند. از سوی دیگر وظیفه آموزش و پرورش آن است که در دهکده جهانی، با کسب آگاهی از دانش متحول کنونی و نیازهای امروز و فردای جامعه با استناد به اسناد بالادستی، با واقع‌نگری و طراحی و ارائه برنامه‌های آموزشی اثر بخش در تعلیم و تربیت شهروندان و در نتیجه توسعه و تعالی روزافزون و همه جانبه و پایدار جامعه، به طور مؤثر عمل کند؛ بنابراین طراحی و اعتبارسنجی و اجرای برنامه درسی شایستگی می‌تواند جذابیت لازم را برای هدایت دانش‌آموزان به سمت رشته‌های شایستگی محور جلب کند. از این رو برای هدایت تحصیلی بهتر در دوره متوسطه دوم تدوین چنین برنامه‌هایی ضروری به نظر میرسد. در این راستا پرسش اساسی این است که برنامه درسی ویژگی‌های عناصر شایستگی محور برای دوره متوسطه دوم چگونه است؟ و اعتبار الگوی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی عمومی برای دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه چگونه است؟

روش

این پژوهش با روش آمیخته اکتشافی (کیفی - کمی) و با هدف اعتبارسنجی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی عمومی برای دوره دوم متوسطه نظری انجام شد. روش پژوهش در

آزمون تحلیل اکتشافی در جدول 2 گزارش شده است: همان طور که در جدول 2 مشاهده می‌شود، روایی پرسش‌نامه (روایی سازه) در سطح 0/001 معنادار است و مقدار kmo آن برابر 0/861 برآورد گردید.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های بخش کیفی

بر اساس تحلیل محتوای کیفی با نظام مقوله بندی قیاسی، مفاهیم مربوط به شایستگی عمومی کدگذاری گردید و برنامه‌ی درسی مبتنی بر شایستگی عمومی برای دوره‌ی دوم متوسطه نظری طراحی گردید. به عبارتی در این مرحله بنا بر نظر طالبی و همکاران (1390)، باید گفت برنامه‌ی درسی از تعدادی عناصر وابسته به هم شکل می‌گیرد که شامل آنچه طراح می‌خواهد انجام شود (هدف)، چه موضوعاتی می‌خواهد به کار ببرد که فرایند را به انجام رساند (محتوا)، چه راهبردهای آموزشی را به کار می‌گیرد (روش تدریس) و چگونه موفقیت طرح را تعیین می‌کند (ارزش‌یابی) است که بعد از کدگذاری باز مفاهیم ثانویه جهت یکپارچه‌سازی و بهبود مقوله‌ها، کدگذاری شدند (کدگذاری محوری). نتایج این کدگذاری در قالب چارچوب برنامه‌ی درسی مبتنی بر شایستگی عمومی دوره دوم نظری در جدول 3 نشان داده شده است.

یافته‌های بخش کمی

برای اعتبارسنجی برنامه‌ی درسی تدوین شده این بخش شامل دو مرحله بود:

مرحله اول: عناصر و ویژگی‌های برنامه‌ی درسی مبتنی بر شایستگی عمومی که براساس مدل‌ها و منابع و متون معتبر مستخرج شده بود، در اختیار ده نفر متخصصان برنامه‌ریزی درسی با درجه علمی استادیار به بالا قرار داده شد و نظرات تخصصی آنان در قالب یک پرسش‌نامه که شامل دو قسمت (قسمت اول ویژگی‌های عناصر برنامه‌ی درسی مبتنی بر شایستگی عمومی و قسمت دوم اعتبارسنجی آن) بود، قرار داده شد تا براساس یافته‌های به دست آمده بتوان برنامه‌ی درسی مبتنی بر شایستگی‌های عمومی برای دانش‌آموزان دوره‌ی دوم متوسطه نظری را طراحی کرد؛ نتایج این مرحله اعتبار مفاهیم و عناصر برنامه‌ی درسی طراحی شده را مورد تأیید قرارداد.

و مرتبط کردن آنها با متن سر و کار دارد. مراحل کیفی تحلیل شامل، تعیین روشمند مقوله در عبارات یک متن است تا طی چند مرحله از تحلیل متن مشخص شود که آن مرحله به چند نحو توصیف می‌شود. تعاریف مقوله‌ها، نمونه‌ها و موارد مورد بررسی فرمول بندی می‌شوند. سپس مرحله به مرحله کامل و در مراحل تحلیل اصلاح می‌شوند (مک کرانان¹، 2007)، پس به طور کلی، ایده اصلی در این روند، فرمول بندی معیارهای تعریف شده است که از پیشینه نظری و پرسش تحقیق به دست می‌آید و در این زمینه جنبه‌های متنی موارد مورد بررسی محاسبه می‌شوند. افزون بر این معیارها، مواد مورد بررسی مورد توجه قرار می‌گیرند و مقولات، مرحله به مرحله و به طور آزمایشی استخراج می‌شوند. در این حلقه بازگشتی، مقولات بارها و بارها اصلاح و از تعداد آنها کاسته می‌شود تا تنها مقولات اصلی بمانند و بتوان پایایی آنها را بررسی کرد. تجزیه و تحلیل اطلاعات در مرحله کمی از پرسش‌نامه‌ای که بر اساس مرحله کیفی به دست آمد استفاده شد؛ همچنین از نرم‌افزار SPSS استفاده شد. به منظور اطمینان از روایی پرسش‌نامه، با استفاده از روش روایی محتوایی، پرسش‌نامه در اختیار استادان علوم تربیتی قرار گرفت و نظرات اصلاحی ایشان در طراحی نهایی پرسش‌نامه منظور گردید. برای تعیین پایایی پرسش‌نامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون پایایی در جدول 1 نشان داده شده است:

جدول 1. پایایی پرسش‌نامه

عناصر	تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ
اهداف	15	0/81
محتوا	18	0/84
روش	10	0/82
ارزش‌یابی	14	0/76
کل	57	0/92

همچنین برای تعیین روایی پرسش‌نامه با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شده است نتایج حاصل از

جدول 2. آزمون بارتلت و مقدار عددی آماره KMO

آماره KMO	آماره خی دو
0/861	894/63
آزمون بارتلیت	سطح معناداری
	0/001

جدول 3. چارچوب برنامه درسی مبتنی بر شایستگی عمومی دوره دوم متوسطه نظری

تم اصلی	عناصر برنامه درسی	مفاهیم مشترک
اهداف	<p>بیانگر فعالیت‌های گوناگون یادگیرنده باشد، هویت‌های مشترک (انسانی، ملی، اسلامی) و ویژه (قومی، زبانی و فرهنگی) را تقویت کند، تربیت یکپارچه عقلی، ایمانی، عملی و اخلاقی، تقویت ایمان، بینش و بصیرت دینی، باور به ارزش‌های اسلامی همراه پرورش روحیه التزام عملی به احکام و آداب اسلامی استدلال و تفکر انتقادی در حل مسائل فردی و گروهی، منجر به تحقق شایستگی‌های (صفات، توانمندی‌ها و مهارت‌های زندگی) شود، آموزش فرهنگ، هنر، آداب، رسوم و مهارت‌های زندگی برای دستیابی به شایستگی‌های عمومی ایجاد مهارت در یادگیرنده در جهت تصمیم‌گیری با تجزیه و تحلیل مسائل و رویدادهای جامعه، ایجاد مهارت‌های ارتباطی و گروهی از طریق فعالیت‌های گروهی (تیم‌سازی)، همراه با تقویت احترام، آرامش و آشنایی طلبی، تقویت حس استقلال، اعتماد نفس، مسئولیت‌پذیری، رشد و توسعه مهارت‌های زندگی سالم و افزایش آگاهی باشد، بیانگر کیفیت عملکرد یادگیرنده و قابل دست‌یابی و اندازه‌گیری باشد و به طور ویژه بیان گردد، شرایط عملکرد و محدوده زمانی نیل به آنها مشخص شده باشد، استانداردهای یادگیری و سطوح عملکرد در آنها اعمال شده باشد بیانگر خودآگاهی، همدلی و کسب مهارت روابط فردی و بین فردی باشد بیانگر مهارت مقابله با استرس، مدیریت عواطف و کنترل چالش‌های زندگی،</p>	
محتوا	<p>مطابق با شایستگی‌ها و اهداف مستخرج از آنها باشد، متناسب با توانایی‌ها، نیازها و علایق یادگیرندگان و قابل اندازه‌گیری باشد، مطابق با اصول اهمیت، سودمندی، اعتبار، قابلیت یادگیری و انعطاف‌پذیری باشد، دانش‌آموزان، انتظارات جامعه اسلامی و زمان آموزش بیانگر ساختار دانش و پایه بودن آن برای یادگیری همیشگی، استفاده از مواد یادگیری مختلف در آن پیش‌بینی شده باشد، در ارتباط کار و مسایل شهروندی و جامعه باشد، برای فعالیت و مهارت‌های چندگانه ایجاد فرصت کند، بیانگر رشد همه جانبه مؤلفه‌های شایستگی باشد، از ساده به پیچیده سازماندهی گردد، برقرار کننده تعادل شایستگی‌های عمومی مبتنی بر سهل و مشکل فراهم کننده فرصت تقویت تخیل فراگیر در ارتباط با هدف‌های عینی باشد، همراه با یاددهی و یادگیری شایستگی‌ها و تجزیه و تحلیل آنها، تسهیل در فرایند درونی کردن شایستگی‌ها متناسب با سن، جنس و هوش یادگیرندگان، آموزش تفکر انتقادی در مباحث مختلف به ویژه فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌ها، تنظیم عمودی و افقی شایستگی‌های عمومی، یاددهی مفاهیم و مهارت‌های زندگی و اجتماعی به صورت یکپارچه و هماهنگ در دروس مختلف، تسهیلگر پیوند بین نظر و عمل باشد،</p>	
برنامه درسی مبتنی بر شایستگی عمومی دوره دوم متوسطه نظری	<p>روش‌های تدریس خطی و برنامه‌ریزی شده، تاکید بر روش‌های یادگیرنده محور؛ استفاده از روش‌های پرسشگری، تغزل و تفکر، استدلال و تفکر انتقادی گفتمان از طریق ارتباطات و تعاملات متقابل مبتنی بر مسایل و چالش‌های اجتماعی، توجه به نیازهای ویژه و تفاوت‌های فردی، قومی، فرهنگی و جغرافیایی در به کارگیری روش‌ها، مطابق با انتظارات فراگیران تاکید بهینه بر استفاده از فضای مجازی، برخط و فناوری‌های نوین و رسانه‌های گوناگون، استفاده از روش‌های فعال و بیشتر تلفیقی، به کارگیری روش‌های گروهی مبتنی بر پروژه و پژوهش محور شیوه‌های گوناگون تدریس برای پرورش مهارت‌ها و شایستگی‌های عمومی به طور آگاهانه فعال هدف ارزش‌یابی به طور دقیق مشخص و مستمر باشد، توجه ویژه به استانداردهای عملکردی، کاربرد انواع ارزش‌یابی بر اساس شایستگی‌های عمومی، ارزش‌یابی عمودی و افقی بر اساس شایستگی‌های عمومی، تنوع در زمان سنجش و ارزش‌یابی (تشخیصی، تکوینی و تراکمی)، جامعیت مبتنی بر دانش، مهارت و نگرش، معتبر بودن، پایایی داشتن، منعطف بودن، منصفانه بودن همراه با مقرون و به صرفه بودن ارزش‌یابی ارزش‌یابی بر اساس نقش تسهیل‌گری معلم در آموزش شایستگی‌ها، ارزش‌یابی کلاسی درس با هدف بهبود شایستگی‌ها، ارزش‌یابی از طریق پرسیدن در فرایند تدریس، برای آگاهی از میزان مهارت‌های زندگی و شایستگی‌های عمومی، ارزش‌یابی با هدف کشف کاستی‌های تدریس، ارزش‌یابی مبتنی بر توانایی تحلیل دانش آموز و ربط دادن موضوعات به یکدیگر؛ ارزش‌یابی قائل شدن برای شایستگی‌های دانش‌آموزان در هنگام ارزش‌یابی؛ ارزش‌یابی گروهی و فردی مبنی بر شایستگی‌ها مانند مقاله، پروژه،</p>	
روش		
ارزش‌یابی		

جدول 4. فراوانی پاسخ متخصصان به ویژگی‌های برنامه درسی

سوال	اهداف		محتوا		روش		ارزش‌یابی	
	بلی	خیر	بلی	خیر	بلی	خیر	بلی	خیر
آیا ویژگی‌های بیان شده در اهداف کافی است؟	10(100%)	-	10(100%)	-	10(100%)	-	10(100%)	-
آیا ادبیات بیان مناسب است؟	1(10%)	9(90%)	4(40%)	6(60%)	9(90%)	1(10%)	10(100%)	-

جدول 5. نتایج آزمون خی دو عناصر برنامه درسی مبتنی بر شایستگی عمومی از نظر کارشناسان و معلمان

عناصر	گروه	خیلی کم فراوانی	کم فراوانی	متوسط فراوانی	زیاد فراوانی	خیلی زیاد فراوانی	2 χ خی دو	درجه آزادی	سطح معناداری	نبود تفاوت معنادار
اهداف	متخصصان	1	1	4	3	14	5/681	4	0/224	تأیید
	معلمان	3	7	11	24	35				
محتوا	متخصصان	0	1	1	11	10	1/733	4	0/785	تأیید
	معلمان	1	4	2	35	34				
روش	متخصصان	0	0	1	3	7	4/591	4	0/204	تأیید
	معلمان	0	2	3	58	17				
ارزش‌یابی	متخصصان	4	2	5	.8	4	6/046	4	0/196	تأیید
	معلمان	4	11	27	31	7				

سطح آلفای پنج درصد و با درجه آزادی چهار از مقدار خی دو بحرانی کوچک‌تر است؛ لذا می‌توان گفت از لحاظ آماری بین نظر کارشناسان و معلمان به لحاظ عناصر برنامه درسی مبتنی بر شایستگی عمومی تفاوت معناداری وجود ندارد. بنابراین برنامه درسی تدوین شده مورد تأیید قرار می‌گیرد و از این نظر قابل اعتبار است. در ادامه برای اعتبارسنجی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی عمومی، از روش آلفا کرونباخ برای تأیید پایایی پرسش‌نامه تدوین شده اقدام گردید که نتایج گویای آن بود که ضرایب آلفا کرونباخ به ترتیب اهداف، محتوا، روش، ارزش‌یابی و کل پرسش‌نامه 0/81، 0/84، 0/82، 0/76 و 0/92 است. همچنین تحلیل عاملی تأییدی با استفاده از لیزرل انجام گردید و شکل 1 مدل اندازه‌گیری الگوی برنامه درسی مطلوب شایستگی عمومی برای دوره دوم متوسطه نظری در حالت تخمین استاندارد را نشان می‌دهد. نتایج تخمین (قسمت زیرین شکل) حاکی از مناسب بودن مدل است. خروجی بعدی در شکل 2 حالت معناداری ضرایب و پارامترهای به‌دست آمده مدل اندازه‌گیری عناصر برنامه درسی مطلوب شایستگی‌های عمومی را نشان می‌دهد که تمامی ضرایب به‌دست آمده معنادار شده‌اند.

با توجه به جدول 4، یافته‌های تحلیل بررسی نظرات متخصصان برنامه‌ریزی آموزشی با تأیید کامل ویژگی‌های بیان شده در اهداف، نحوه بیان را مناسب دانسته نشد و پیشنهادات ارائه شده اصلاح و فرم نهایی در مرحله دوم ارائه و مورد تأیید قرار گرفت. در محتوا، نحوه بیان را مناسب ندانسته و معتقد بودند که ادبیات بیان محتوا باید تغییر کند، که این نظرات اصلاح و مورد مجدد تأیید قرار گرفت. در روش، معتقد بودند نحوه بیان ادبیات باید با تغییراتی در نظر گرفته شود. همچنین یافته‌های تحلیل بررسی نظرات متخصصان برنامه‌ریزی آموزشی به ویژگی‌های ارزش‌یابی و ادبیات بیان کاملاً مورد تأیید قرار گرفته است.

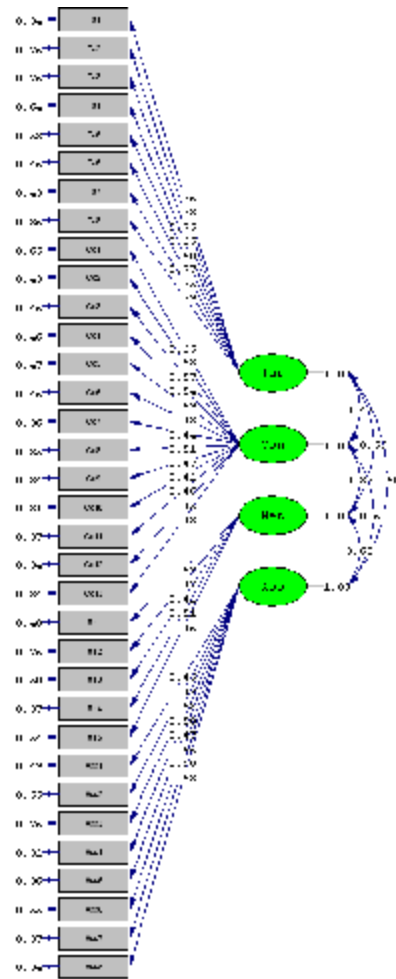
مرحله دوم: براساس یافته‌های مرحله کیفی و نظرات متخصصان، پرسش‌نامه عناصر برنامه درسی مبتنی بر شایستگی عمومی دوره دوم متوسطه تدوین و برای اعتبارسنجی آن در اختیار نمونه‌ای از کارشناسان و دبیران استان فارس که در زمینه برنامه‌ریزی درسی صاحب‌نظر بودند، قرار گرفت تا بتوان چارچوب برنامه درسی مبتنی شایستگی عمومی برخاسته از مرحله کیفی را مورد تأیید قرار دهند. برای این منظور ابتدا از آزمون خی دو استفاده شد که نتایج این آزمون در جدول 5 نشان داده شده است.

بر اساس نتایج جدول 5، مقدار خی دو محاسبه شده برای عناصر برنامه درسی مبتنی بر شایستگی عمومی در

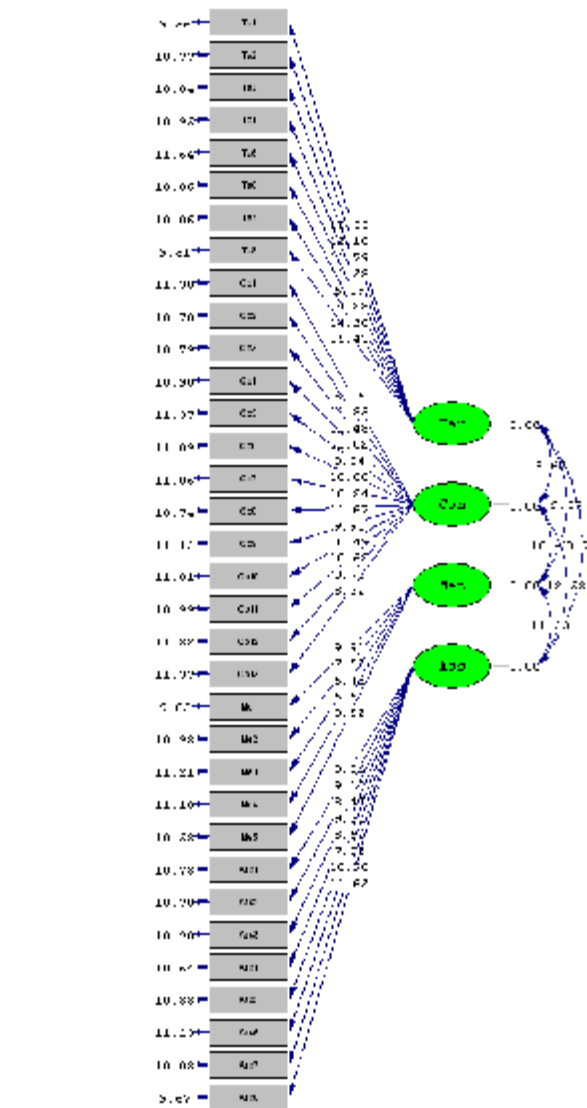
در مورد شاخص‌های برازش الگوی برنامه‌درسی مطلوب شایستگی‌های عمومی برای دوره‌دوم نظری، مطابق جدول 6 مقادیر تمامی شاخص‌ها نشان دهنده برازش مناسب و قابل قبول مدل پژوهش حاضر است که مدل نهایی را مورد تایید قرار می‌دهد.

جدول 6. شاخص‌های برازش الگوی

ردیف	شاخص مدل	ارزش‌های مورد انتظار	ارزش‌های محاسبه‌شده
1	GIA	0/9 و بالاتر	0/96
2	IFI	0/9 و بالاتر	0/98
3	CFI	0/9 و بالاتر	0/93
4	NFI	0/9 و بالاتر	0/95
5	RMSEA	پایین‌تر از 0/09	0/079
6	df/c2	کمتر از 3	2/738
7	P-VALUE	بزرگ‌تر از 0/05	P=0/056



شکل 2. الگوی برنامه‌درسی مطلوب شایستگی عمومی برای دوره‌دوم متوسطه نظری در حالت معناداری ضرایب



شکل 1. الگوی برنامه‌درسی مطلوب شایستگی عمومی برای دوره‌دوم متوسطه نظری در حالت ضرایب استاندارد

نتیجه‌گیری و بحث

هدف این پژوهش، اعتبارسنجی برنامه‌درسی مبتنی بر شایستگی عمومی برای دوره‌دوم متوسطه نظری بود. برای دستیابی به این هدف، سه فعالیت عمده در قالب سه گام، صورت گرفت. فعالیت اول در راستای شناسایی مهم‌ترین

پیش‌بینی شده باشد؛ در ارتباط کار و مسایل شهروندی و جامعه باشد؛ برای فعالیت و مهارت‌های چندگانه ایجاد فرصت کند؛ همراه با رشد همه جانبه مؤلفه‌های شایستگی باشد؛ از ساده به پیچیده سازمان‌دهی گردد و غیره را به‌دست داد. این بخش از یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های ذکر شده در فوق همسو است. همچنین در زمینه فعالیت‌های یادگیری در برنامه مبتنی بر شایستگی نیز ویژگی‌هایی نظیر فعال بودن دانش‌آموز، تلفیقی بودن فعالیت‌ها، توجه به فعالیت‌های فردی و گروهی دانش‌آموزان، ارتباط با دنیای کار، تسهیل‌گر بودن در پیوند بین نظر و عمل و مشارکتی بودن فعالیت‌ها به‌دست آمد که این یافته با نتایج پژوهش‌های یزدانی و همکاران (1397)، فورد (2018) و کوئن (2015) همسو است.

در زمینه عنصر روش بر خلاف دیگر عناصر، کثرت چندان در ویژگی‌ها مشاهده نمی‌شود. در این زمینه نتایج به‌دست آمده، تأکید بر روش‌های یادگیرنده محور؛ استفاده از روش‌های پرسشگری، توجه به نیازهای ویژه و تفاوت‌های فردی، قومی، فرهنگی و جغرافیایی در به‌کارگیری روش‌ها، تأکید بهینه بر استفاده از فضای مجازی، برخط و فناوری‌های نوین و رسانه‌های گوناگون، استفاده از روش‌های فعال و بیشتر تلفیقی، به‌کارگیری روش‌های گروهی مبتنی بر پروژه توصیه می‌شود. این یافته با نتایج پژوهش‌های دیگر از جمله مظاهری، 1395؛ هدایتی و همکاران، 1395؛ مرادی و همکاران، 1394؛ مؤمنی مهموثی و شریعتمداری، 1388؛ ناکایا و هوانگ، 2019؛ دبه، 2018؛ سینگا و گرا، 2015؛ سور، 2015؛ البارباری، 2015؛ آندراناک و همکاران، 2015) همسو است.

در نهایت برای عنصر ارزش‌یابی در پژوهش حاضر، ویژگی‌هایی از قبیل توجه ویژه به استانداردهای تعیین شده، در نظر داشتن مکانیزم‌های بازخورد، توجه به انواع سنجش و ارزش‌یابی و جامعیت در ارزش‌یابی و همچنین توجه ویژه به استانداردهای عملکردی، کاربرد انواع ارزش‌یابی بر اساس شایستگی‌های عمومی، ارزش‌یابی عمودی و افقی بر اساس شایستگی‌های عمومی، تنوع در زمان سنجش و ارزش‌یابی (تشخیصی، تکوینی و تراکمی)، جامعیت مبتنی بر دانش، مهارت و نگرش، معتبر بودن، پایایی داشتن، منعطف بودن، منصفانه بودن همراه با مقرون و به‌صرفه بودن ارزش‌یابی، ارزش‌یابی بر اساس نقش تسهیل‌گری معلم در آموزش

عناصر برنامه درسی مبتنی بر شایستگی و ویژگی‌های آن عناصر از متون و منابع علمی با عنایت به روش اسنادی بود. فعالیت دوم انجام مصاحبه با متخصصان رشته برنامه درسی جهت شناسایی ویژگی‌های عناصر برنامه درسی مبتنی بر شایستگی بود. فعالیت سوم نیز پس از تجمیع یافته‌ها، حذف موارد تکراری و طبقه‌بندی آنها، در راستای اعتباریابی الگوی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی عمومی برای دوره دوم متوسطه نظری انجام شد. در این پژوهش، عناصر هدف، محتوا و فعالیت‌های یادگیری، روش و ارزش‌یابی به عنوان مهم‌ترین عناصر برنامه درسی در رویکرد شایستگی شناسایی شد.

این یافته‌ها با برخی از یافته‌های مطالعات از جمله یزدانی و همکاران؛ 1397؛ احمدی، 1397؛ شفیعی، 1396؛ عزتی، 1395؛ هدایتی و همکاران، 1395؛ مرادی و همکاران؛ 1394؛ مظاهری، 1395؛ شکوهی، 1394؛ مومنی مهموثی و همکاران، 1390؛ مؤمنی مهموثی و شریعتمداری، 1388؛ ناکایا و هوانگ، 2019؛ سانچز و همکاران، 2018؛ زلر و همکاران، 2016؛ سور، 2015؛ بارمان و کونوار؛ (2011) همسو است. همچنین در پژوهش حاضر برای عنصر هدف، ویژگی‌هایی از قبیل تربیت یکپارچه عقلی، ایمانی، عملی و اخلاقی؛ تقویت ایمان، بینش و بصیرت دینی، باور به ارزش‌های اسلامی به همراه پرورش روحیه التزام عملی به احکام و آداب اسلامی؛ استدلال و تفکر انتقادی در حل مسائل فردی و گروهی، منجر به تحقق شایستگی‌های (صفات، توانمندی‌ها و مهارت‌های زندگی) شود و همراه آموزش فرهنگ، هنر، آداب، رسوم و مهارت‌های زندگی برای دستیابی به شایستگی‌های عمومی همچنین وضوح در بیان هدف‌ها، مشخص بودن استانداردها و سطوح اهداف، جامعیت از لحاظ شمول ابعاد دانش، مهارت و نگرش، قابل‌اندازه‌گیری بودن و واقع بینانه بودن به‌دست آمد. این یافته‌ها با پژوهش‌هایی دوراندیش و همکاران (1398)، حیدری و همکاران (1395) چنگ (2012) و سینگا و گرا، 2015 همسو است.

یافته‌ها در زمینه عنصر محتوا و فعالیت‌های برنامه درسی مبتنی بر شایستگی عمومی، ویژگی‌هایی از قبیل: جذاب باشد؛ متناسب با توانایی‌ها، نیازها و علایق یادگیرندگان باشد؛ با توجه به ساختار دانش و پایه بودن برای یادگیری همیشگی باشد؛ مواد یادگیری مختلف در آن

در برنامه درسی موجب می‌شود که شایستگی‌ها به خصوص شایستگی عمومی، محور برنامه درسی قرار گیرند؛ بنابراین، عناصر برنامه درسی (هدف، محتوا، روش و ارزش‌یابی) بر اساس آن شکل می‌گیرند. از این روی، برنامه درسی مبتنی بر شایستگی از حیث ویژگی‌های منحصر به فرد خود، در سال‌های اخیر مورد توجه خاص اغلب نظام‌های آموزشی جهان قرار گرفته است. به زعم صاحب‌نظران، نقاط قوت این رویکرد موجب شده است که میزان استفاده از آن رو به افزایش باشد.

با توجه به یافته‌های این پژوهش به معلمان گرامی و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت پیشنهاد می‌شود که در جهت سوق برنامه درسی به سوی پرورش شایستگی‌ها، ویژگی‌های شناسایی شده برای هر یک از عناصر هدف، محتوا و فعالیت‌های یادگیری، روش و ارزش‌یابی را در فرایند آموزش اعمال کنند. همچنین، از آنجا که رشته برنامه درسی مطابق با برنامه مصوب رشته برنامه درسی (1393) پس از سه سال اجراء، مورد ارزش‌یابی قرار خواهد گرفت و پنج سال پس از اجراء، قابل بازنگری خواهد بود و با توجه به اینکه پژوهش حاضر به طور ویژه به دوره دوم متوسطه نظری اختصاص دارد، به دست‌اندرکاران ارزش‌یابی برنامه درسی پیشنهاد می‌شود که با عنایت به اصل «پاسخگویی برنامه به نیازهای جامعه» در ارزش‌یابی از عناصر برنامه درسی این رشته، به یافته‌های این پژوهش در جهت تدوین معیارهای ارزش‌یابی توجه فرمایند. همچنین به طراحان برنامه درسی پیشنهاد می‌شود که در راستای پرورش شایستگی‌های معلمان، در تعیین اهداف، انتخاب محتوا و روش‌های تدریس و اتخاذ روش‌های ارزش‌یابی دستاوردهای یادگیری به یافته‌های این پژوهش توجه کنند. افزون بر این، یافته‌های این پژوهش می‌تواند در بررسی میزان شایستگی محور بودن برنامه درسی دوره دوم متوسطه نظری کارگشا باشد. این مطالعه از این جهت که مورد مشابهی نداشت می‌تواند شروع کننده مسیر مناسبی باشد که پژوهش‌های دیگر در نقاط دیگر نتایج آن را تأیید و یا رد کنند. با این وجود، محدودیت‌هایی نیز وجود داشتند که از مهم‌ترین آن می‌توان به نبود مطالعات مشابه در این زمینه اشاره کرد. همچنین محدودیت‌های پژوهش حاضر این است که به یک طیف خاص محدود شده است؛ بنابراین توصیه می‌شود تعمیم نتایج به اشخاص دیگر باید با احتیاط صورت پذیرد.

شایستگی‌ها، ارزش‌یابی کلاسی درس با هدف بهبود شایستگی‌ها، ارزش‌یابی از طریق پرسیدن در فرایند تدریس، برای آگاهی از میزان مهارت‌های زندگی و شایستگی‌های عمومی، ارزش‌یابی با هدف کشف کاستی‌های تدریس، ارزش‌یابی مبتنی بر توانایی تحلیل دانش‌آموز و ربط دادن موضوعات به یکدیگر، ارزش‌یابی قائل شدن برای شایستگی‌های دانش‌آموزان در هنگام ارزش‌یابی و همراه با ارزش‌یابی گروهی و فردی مبنی بر شایستگی‌ها مانند مقاله و پروژه شناسایی شد. این بخش از یافته‌ها نیز با نتایج مطالعات دیگر همسو است.

نتایج آزمون‌های دو عناصر برنامه درسی مبتنی بر شایستگی عمومی حاکی از آن است که کارشناسان و معلمان اعتقاد دارند که دانش‌های عمومی و تخصصی (تربیتی) مهارت‌ها و توانایی‌های عمومی، توانایی‌های ذهنی و تخصصی (تربیتی) نگرش‌ها و گرایش‌ها و اعتقادات عمومی، نگرش‌ها و گرایش‌ها و اعتقادات اصلی و تخصصی (تربیتی) یاد شده جزء شایستگی‌های اساسی دوره دوم متوسطه نظری تلقی می‌شود و تفاوت‌ها تنها در خصوص میزان تأکید هر یک از دو گروه است که با یافته‌های پژوهشی مومنی و شریتمداری (1388) همخوانی دارد همچنین یافته‌های اعتبارسنجی برنامه درسی تدوین شده در طی دو مرحله از نظر متخصصان برنامه‌ریزی درسی با درجه علمی استادیار به بالا از نظر ویژگی‌های بیان شده در عناصر برنامه درسی مبتنی بر شایستگی برای دوره دوم متوسطه نظری و همچنین مناسب بودن بیان ادبیات مورد تأیید قرار گرفت و افزون بر این یافته‌ها در مرحله تحلیل عاملی از نظر کارشناسان و دبیران صاحب نظر اعتبار برنامه درسی مبتنی بر شایستگی عمومی برای دوره دوم متوسطه نظری را مورد تأیید قرار داد. نتیجه این یافته با نتایج پژوهش‌های مظاهری، 1395؛ هدایتی و همکاران، 1395؛ مرادی و همکاران، سازمان آموزش ملی استرالیا، 2015؛ کوئن و همکاران، 2105؛ آندراناک و همکاران، 2015؛ زلر و همکاران، 2016) هماهنگی دارد. در نتیجه این یافته می‌توان بیان کرد از جمله حوزه‌هایی که از رویکردها و نظرات مربوط به شایستگی‌ها استفاده کرده است و به بهره‌مندی مفهومی حوزه خود افزوده، برنامه درسی است. برنامه درسی مبتنی بر شایستگی که منبعث از این ادبیات است، رویکرد مناسب جهت طراحی برنامه‌های درسی عصر حاضر است. به کارگیری این رویکرد

منابع

- احمدی، سعید (1397). ارزش‌یابی برنامه درسی بر اساس توجه به شایستگی‌ها از دیدگاه دانشجویان رشته مهندسی فناوری اطلاعات دانشگاه صنعتی شیراز، پژوهش‌های برنامه درسی، دوره 8، شماره 16، 224-244.
- شفیعی، فروغ (1396). برنامه درسی بر مبنای شایستگی، کنفرانس ملی روان‌شناسی تربیتی و برنامه‌ریزی و آموزش دبستان و پیش دبستان، شادگان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شادگان.
- صافی، احمد (1390). آموزش و پرورش ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه، تهران: سمت.
- عزتی، محمدرضا (1395). طراحی و اعتبارسنجی الگوی مطلوب برنامه درسی «آموزش فناوری» برای دوره آموزش عمومی (پایه‌های 1-9)، رساله دکترای تخصصی، دانشگاه تبریز، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- فتحی واجارگاه، کوروش (1395). اصول و مفاهیم برنامه‌ریزی درسی. تهران: بال.
- فتحی واجارگاه، کوروش (1395). برنامه درسی به سوی هویت‌های جدید: شرحی بر نظریات معاصر برنامه درسی، جلد اول، تهران: نشر آبی.
- کرمی مرتضی، مومنی مهموئی حسین (1390). بازار کار جهانی و تأثیر آن بر طراحی برنامه درسی، فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران، شماره 6، 100-76.
- Byham, W & Moyer, R. (2002). Using Competencies to Build a Successful rganization. Canada: DDI
- Cave, E. & Mc Keown, P. (1993). Managerial Effectiveness :The Identification of Need. Management Education and Development, Vol 24 ,No 2 pp122-137.
- Cheng, Michael S. (2012). A competency model for Culinary graduates: Evaluation of the Research Chefs Association's Bachelor of Science in Culinary core competencies. Graduate Theses and Dissertations, Iowa State University.
- Deye, S. (2018). A Look at Competency-based Education in K-12 Schools, Ncsl, 26(30), 1-6.
- Dilmore T, Moore D, Bjork Z. (2011). Implementing Competency-Based Education: A Process Workbook, University of Pittsburgh Press.
- Dochy, P.; Nickmans, G. (2005). Competence-based education and assessment. Theory and practice of flexible learning. Utrecht: Lemma.
- مرادی، رحیم. مرادی، مرتضی ملکی، حسن. عبدلی، افسانه (1394). طراحی و ارائه مدل شایستگی برای برنامه‌ریزان درسی، پژوهش‌های کیفی در برنامه درسی، دوره 1، شماره 1، 80-161.
- مظاهری، حسن (1395). الگوی طراحی برنامه درسی شایستگی محور دوره ابتدایی مبتنی بر اسناد تحول بنیادین، رساله دوره دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی.
- مومنی مهموئی، حسین. شریعتمداری، علی (1388). طراحی الگوی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی برای مقطع کارشناسی رشته آموزش ابتدایی، مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی، دوره 2، شماره 2: 149-128.
- مؤمنی مهموئی حسین، کاظم پور اسماعیل، تفرشی محمد (1390). برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر شایستگی؛ راهبردی مطلوب برای توسعه ی شایستگی‌های اساسی. فصلنامه راهبردهای آموزش، شماره 4، 149-143.
- هدایتی ا، ملکی ح، صادقی ع ر، سعدی پور ا (1395). طراحی و اعتباریابی الگوی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی برای دوره کارشناسی ارشد رشته برنامه درسی. فصلنامه پژوهش‌های کیفی در برنامه درسی، دانشگاه علامه طباطبائی، دوره اول، شماره 4: 61-27.
- یزدانی، فتانه. عباسی، عفت. حسنی، محمد. علی عسگری، مجید (1397). طراحی و اعتبارسنجی الگوی برنامه درسی تربیت اجتماعی در دوره متوسطه اول با تاکید بر اسناد بالادستی، پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی، دوره 6، شماره 2.
- Bezanilla, María J., Olalla, Ana G., Castro, J. Panos & Ruiz, Manuel P. (2019). A model for the evaluation of competence-based learning implementation in higher education institutions: Criteria and indicators, Tuning Journal for Higher Education, 6(2), 127-174.
- Parson, L., Childs, B., Elzie, P. (2018). Using Competency-Based Curriculum Design to Create a Health Professions Education Certificate Program the Meets the Needs of Students, Administrators, Faculty, and Patients, Health Professions Education, 4(3), 207-217.
- Koenen, A. K., Dochy, F., & Berghmans, I. (2015). A phenomenographic analysis of the implementation of competence-based education in higher education. Teaching and Teacher Education, 50, 1-12.
- Andronache, D., Bocoş, M., & Neculau, B. C. (2015). A systemic-interactionist model to design a competency-based curriculum. Procedia-Social and Behavioral Sciences, 180, 715-721.

- Durandish A. R. Naderi, Ez. Seif Naraghi, M. (2019). Designing a curriculum framework based on the competence of industrial mechanics in the second year of high school. *Educational innovations*, 18(71):7-38. [in Persian]
- Ford, Kate. (2014). *Competency-Based Education: History, Opportunities, and Challenges*. Published by UMUC Center for Innovation In Learning and Student Success (CILSS).
- Haunstein, p. (2000). *Competency Modeling Approaches and strategies*. <http://www.csae.-com/client/csae.pdf>
- Koenen, A. K., Dochy, F., & Berghmans, I. (2015). A Phenomenographic analysis of the implementation of competence-based education in higher education. *Teaching and Teacher Education*, 50, 1-12.
- McKernan J. (2007). *Curriculum and imagination: Process theory, pedagogy- .and action research*. New York: Routledge.
- Momeni Mahmoudi, H. Shariatmadari A. (2008). A competency based curriculum model for undergraduate course on primary education. *Quarterly Journal of Management and Planning in Educational Systems*, Vol.(1), 128-149. [in Persian]
- Nkya, H.; Huang, F. (2019). *Community Awareness for Competency Based Curriculum, A Case of Parents of Public Secondary School Students in Arusha Tanzania*, *International Journal of Academic Management Science Research*, 3(3), 19-23.
- Ryan, Sharon L. (2011). *Development of a competency-based curriculum in the active management of the third stage of labor for skilled birth attendants*. Presented in Partial Fulfillment of the Requirements for the Doctor of Nursing Practice in the Graduate School of The Ohio State University.
- Sánchez Carracedo, Fermín, Soler A, Martín C, López D, Ageno A, Cabré J, Garcia J, Aranda J., Gibert K. (2018). *Competency Maps: An Effective Model to Integrate Professional Competencies across a STEM Curriculum*, *Journal of Science Education and Technology*, 27(5):448-468.
- Singla P.K, Rastogi K. M, Sunita Rani Jain. (2005). *Developing Competency-Based Curriculum For Technical Programs*. National Symposium on Engineering Education./India Institute of Science, Bangalore.
- Soare, E. (2015). *Using the Complex Learning Situation Model in the Evaluation of Competences*. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 180, 1-6.
- Sudsomboon, W. (2007). *Construction of A Competency-Based Curriculum Content Framework For Mechanical Technology Education Program on Automotive Technology Subjects*. Proceedings of the ICASE Asian Symposium. Pattaya, Thailand, retrieved on 4th Feb, 2011 from http://www.kmutt.ac.th/rippc/pdf/abs50/5030_03.pdf.
- Walsh, JL. (2002). *Educational of professionals: Is there a role for a competency-based approach?* Australia: University of Queensland Publication;
- Zeller, M. P., Sherbino, J., Whitman, L., Skeate, R., & Arnold, D. M. (2016). *Design and Implementation of a Competency-Based Transfusion Medicine Training Program in Canada*. *Transfusion medicine reviews*, 30(1), 30-36.